

فراگیری کووید-۱۹ و ظهور مسئله حکمرانی جهانی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱ تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۸/۰۵

حسین بابایی مجرد*

چکیده

بشر امروز در برابر بیماری فراگیر کووید-۱۹ به عنوان خطری فاجعه‌بار که معادلات جهانی را تغییر داده، متحیر مانده است. این تحیر بیش از هر جا در امر حکمرانی جهانی دیده می‌شود؛ آنجا که مدعی است به اتکای ظرفیت همکاری‌های جهانی می‌تواند مخاطرات فاجعه‌باری چون بیماری‌های فراگیر را مدیریت کند؛ اما همکاری‌های جهانی با هیچ کدام از مناظر سه‌گانه‌اش - واقع‌گرایی، ایدئالیسم و حکمرانی جهانی با تأکید بر سازمان‌های بین‌المللی - تاکنون از خود کنش یا الگوی موفق‌تری برای اداره این مخاطره جهانی نشان نداده است. نگارنده این مقاله مدعی است همکاری‌های جهانی در پناه تفاهم بر معرفتی جهانی، میسر است و دسترسی به این معرفت جهانی ممکن نیست مگر با قرائتی که اندیشه اسلامی متکفل تولید و توزیع آن است. «کلمه سواء» ضامن تبیین و توضیح ابعاد این معرفت است و «امت وسط» به دنبال اعتلای «کلمه سواء». روش‌شناسی پژوهش در قالب دو گام

* استادیار گروه مدیریت اسلامی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی. h.babae64@gmail.com

صورت‌بندی شده است: نخست و در راستای فرایند مسئله‌مندسازی حکمرانی جهانی - که اگر پایه و قوام نداشته باشد، به تجویز نسخه‌های پوچ خواهد انجامید - روایت‌های جهانی کرونا بیان و تحلیل خواهد شد و سپس در مقام توصیف قرائت دینی از حکمرانی جهانی و مبتنی بر مفاهیم تفسیری، به آیات قرآن مجید ارجاع داده می‌شود.

واژگان کلیدی: کووید-۱۹، مخاطرات فاجعه‌بار، حکمرانی جهانی، سازمان‌های بین‌المللی، ظرفیت حکمرانی، امت وسط، کلمه سواء.

مقدمه

تاریخ در موارد و مواقعی مشخص، همه جهان را درگیر در مواجهه با پدیده‌ای خاص و جهان‌گیر گزارش کرده است. بی‌شک پدیده کرونا از جمله این موارد است. در پدیده‌های جهانی معمولاً گروهی درگیری میدانی داشته و عده‌ای تماشاچی هستند. برخورد تماشاچیان با پدیده معمولاً روشنفکرانه و دور از واقع است و این به سبب عدم درگیری وجودی آنان با پدیده‌هاست؛ مثلاً کسی که صورت ذهنی از سیل در ذهن دارد، تنها ارتباط مفهومی با سیل دارد؛ اما کسی که به نظاره سیلاب نشسته، ارتباط عینی با سیل برقرار می‌کند، ولی شخص مستغرق در سیل، برخوردار از ارتباط وجودی با آن است. این سه ساحت ارتباط، سه واکنش به همراه دارد و میزان واقع‌گرایی آنها نیز بی‌شک متفاوت است. این انسان‌های حس‌بالا (High-Touch) هستند که به ارتباط وجودی با فرامفاهیم (High-Concept) نایل‌اند (پینک، ۱۳۹۰ ص ۲۸) آن‌چنان‌که حضرت یعقوب علیه السلام وصال یوسف علیه السلام را این‌گونه دریافت: «وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعَيْرُ قَالَ أَبُوهُمُ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنَّ تُفَنَّدُونَ: و فرمود بوی یوسف را دریافتم اگر مرا به ضعف رأی نسبت ندهید، جا دارد که شما



نیز به آنچه که من می یابم اذعان و اعتقاد داشته باشید، لکن محتمل است مرانادان شمرده تخطئه ام کنید و به گفته ام معتقد نشوید» (یوسف: ۹۴/ طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۳۴). افق معنایی حضرت یعقوب علیه السلام از پدیده وصال متفاوت از فرزندان اوست و لذا عدم اشتراک در آن، نتایج بعدی چون عدم تفاهم در دریافت، عدم توافق در افعال و عدم التزام به آثار را منتج خواهد شد. او استشمام حضور می کند اما آنها یوسف علیه السلام را رؤیت نمی کنند، او به انتظار سفر کرده می نشیند؛ اما آنها به اشتغالات روزانه خود سرگرم اند و او سرگرم آماده سازی شرایط جهت پذیرش مهمان عزیز خویش است؛ اما آنها علاقه مند به عادی سازی شرایط اند. لذا یعقوب علیه السلام را متهم به گمراهی قدیمی در میزان محبتش به یوسف علیه السلام می کنند: «قَالُوا تَاللّٰهِ اِنَّكَ لَفِي ضَلٰلٍكَ الْقَدِيْمِ» (یوسف: ۹۵) و از منظر ایشان گویا همین افراط در محبت است که یعقوب علیه السلام را به رفتاری این چنین واداشته است.

بیان مسئله و سؤالات پژوهش

بشر در رویارویی با بیماری فراگیر کووید-۱۹ که اقصی نقاط عالم را درنوردیده و جهان را با آزمونی سراسری مواجه کرده است، رفتارهای متفاوتی داشته و به همان اعتبار، در شیوه نامه های اعلامی و اعمالی در برابر آن بیماری، دچار اختلاف است و همین اختلاف هاست که هر متفکری را در برابر مداخلات جهانی با این مسئله، حساس و کنجکاو می کند. پرسش این است که اساساً چطور می توان در مسائلی که در گستره جهانی اثرگذاری دارند یا حل آنها منوط به همکاری های مشترک بین المللی است، به تفاهم و توافق میان ملت ها و دولت ها بر سر تعریف مسائل و تجویز راه حل ها پرداخت؟ موضوع آن گاه و جوه عمیق تری می یابد که فرایند خط مشی گذاری، کاملاً سیاسی شده و در آن،

درگیری ارزشی کشورهای ذی‌نفع و درگیری‌های ناشی از این تفاوت‌ها دیده می‌شود. این شرایط نگارنده را برآن داشت مسئله‌مندی و مسئله‌مندسازی این وضعیت را ذیل مفهوم حکمرانی جهانی، صورت‌بندی و اعتباربخشی کند که مدعی است مسائل جهانی را مدیریت و کنترل می‌کند. همچنین نویسنده می‌کوشد به این پرسش اصلی پاسخ دهد که موقع و موضع بشر در حکمرانی جهانی با نظرداشت بیماری فراگیر کووید-۱۹ چیست؟

سؤالات فرعی نیز عبارت‌اند از:

۱. مسئله جهانی چیست؟
۲. راه‌حل مسائل جهانی در چه قالبی از تغییر رویکرد، تأسیس نهاد یا وضع قواعد، صورت‌بندی می‌شود؟
۳. میزان توفیق راه‌حل‌های مسائل جهانی چه بوده است؟
۴. راه‌حل بدیلی که در فضای مبهم کنونی در مواجهه با مسائل جهانی می‌توان ابراز کرد، چیست؟

چارچوب مفهومی: حکمرانی جهانی

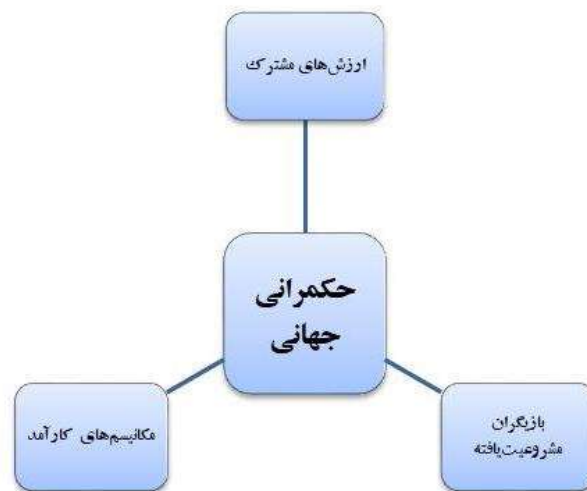
بشر با انواع مختلفی از مداخلات قدرت‌ها در برخورد با مسائل جهانی، روبه‌رو بوده است. از امپراتوری‌های بزرگ، استعمارگرها و ابرقدرت‌ها که در فضای تک‌قطبی و برای حل مسائل جهانی، تلاش داشتند اراده و خواست خود را بر دیگر کشورها تحمیل کنند تا نظام چندقطبی و بلوک‌بندی جهانی که حل مسائل جهانی، مرهون برابند زورآزمایی و تعاملات آنها بود و نهایتاً حکمرانی مشارکتی مسائل جهانی که از طریق خرد جمعی و تصمیم‌گیری دموکراتیک کشورهای مختلف انجام می‌گرفت (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۳۰). بر اساس مدل حکمرانی مشارکتی جهانی، حکمرانی متکی بر نهادها، فرایندها،

هنجارها، توافقات رسمی و سازوکارهای غیر رسمی است که اقدامات فراملی، منطقه‌ای و بین‌المللی بخش‌های خصوصی و عمومی را برای رفع موانع ملی و تأمین خیر عمومی تنظیم می‌کند.

اقدامات همیارانه در حکمرانی جهانی مبتنی بر حقوق و تکالیفی است که از طریق مشوق‌های اخلاقی و مالی الزام می‌شوند. عناصر پایه‌ای حکمرانی جهانی، شامل توافق بر استانداردها، استخراج هنجارها از ارزش‌های مشترک و اوامر دولتی است. روش‌های حکمرانی جهانی نیز برقراری توازن میان قوانین دولت‌ها، رژیم‌های بین‌المللی، شبکه‌های خط‌مشی جهانی و سازمان‌های پیوندی است که به ترکیب کارکردهای آژانس‌های دولتی و سازمان‌های بخش خصوصی اهتمام دارند (بویر، ۱۳۹۷، ص ۱۱۰-۱۱۱).

حکمرانی جهانی بر خلاف حکمرانی محلی و ملی که مبتنی بر یک قرارداد اجتماعی، مشروعیت یافته و بر ارزش‌های دموکراتیک استوار است، نه واجد قراردادی جهانی میان ملل و نهادهای حاکمیت جهانی است و نه مبتنی بر ارزش‌های دموکراتیک-خواه در وضع استانداردها و قوانین، خواه در بوروکراسی مجری خط‌مشی‌ها و خواه در سازمان‌های داوطلبانه ناظر بر فرایند اجرا- دارد (بندیکت، ۲۰۰۱، ص ۲۹). فقدان این قدرت مشروع و آن ارزش‌های دموکراتیک، باعث شده است گازمن (۲۰۰۱) امر تحقق حکمرانی جهانی را منوط به تحقق سه شرط اساسی بداند که عبارت‌اند از: ۱. ارزش‌های مشترک که بنیان حکمرانی جهانی به شمار می‌روند؛ اجماع بر سر ارزش‌ها و احساس یک اجتماع واحد، زمینه لازم برای شکل‌گیری حکمرانی جهانی را ایجاد می‌کند. ۲. بازیگرانی که از مشروعیت لازم نزد افکار عمومی برای برعهده‌گرفتن وظایف ناشی از حکمرانی جهانی برخوردارند و ۳. مکانیسم‌های حکمرانی مؤثر که قادر به پیشبرد ارزش‌ها و منافع مشترک از

راه‌های مشروع باشند (توحیدی، ۱۳۹۲، ص ۳۳). بر این اساس، حکمرانی جهانی نیازمند ارزش‌های مشترک، بازیگران مشروع و مکانیسم‌های کارآمد است.



شکل ۲: شروط اساسی تحقق حکمرانی جهانی (توحیدی، ۱۳۹۲، ص ۳۴)

باید توجه داشت تحقق این سه شرط با دشواری‌ها و حساسیت‌هایی همراه است؛ هم‌چنان‌که شورای ملی اطلاعات آمریکا (National Intelligence Council) (NIC) در ارتباط با آینده حکمرانی جهانی معتقد است* دو تحول عمده که باعث شده است حکمرانی جهانی در شرایط حساسی قرار بگیرد، عبارت‌اند از:

- تنوع و پیچیدگی قابل توجه معضلات و مسائل جهانی که نهادهای بین‌المللی باید

* Refer to: **Global Governance 2025: At a Critical Juncture**; Institute of Security Studies European Union, 2010.

آنها را مدیریت کنند.

- روند انتقال قدرت که حکمرانی جهانی را با دشواری زیادی مواجه کرده است. در خلال ضعفی که نهادهای سنتی در انطباق با این تحولات از خود نشان داده‌اند، با ظهور نهادهای جدید حکمرانی جهانی همچون گروه‌های غیر رسمی روبه‌رو هستیم که با تعمیق روند همگرایی منطقه‌ای و تقویت جایگاه سازمان‌های غیر دولتی در کنار نهادهای قاعده‌محور سنتی و توسعه تعامل با آنها از رهگذر تأمین دانش مشترک در مورد مسائل و نحوه مواجهه با آنها و همین‌طور شکل‌دهی به موازنه مقبولی میان شمولیت و کارآمدی به دنبال پاسخ سریع، جامع و کارآمد به مسائل جهانی در شرایط انتقال قدرت هستند. بر این اساس، گزینه‌هایی که برای آینده حکمرانی جهانی مطرح است، عبارت است از: تداوم وضع موجود با تغییرات اندک، گسست و پاره‌پاره‌شدن حکمرانی جهانی، بازگشت به کنسرت اروپا و غلبه درگیری بر همکاری که بر مبنای این انتخاب‌ها، روند آتی حکمرانی جهانی عبارت خواهد بود از:

- ضرورت اصلاحات ساختاری در نهادهای حکمرانی جهانی و تطبیق دادن این نهادها با واقعیات قدرت در سیاست بین‌الملل که همانا تغییر موازنه قدرت در سطح جهان است؛
- نقش روزافزون سازمان‌های غیر دولتی در روند حکمرانی جهانی از جهت شناخت و حل مسائل جهانی (توحیدی، ۱۳۹۲، ص ۴۰).

این واقعیت صحنه حکمرانی جهانی در شرایطی که جنس مسائل جهانی و منابع قدرت آفرین تغییر کرده است، فضای مناسبی را به وجود آورده که از رهگذر آن، بتوان به منطبق‌های جدیدی در حوزه حکمرانی جهانی راه یافت.

۱. چیستی مسئله جهانی

مسائل، معمولاً در سه سطح محلی، ملی و جهانی طبقه‌بندی می‌شوند. سرّ این طبقه‌بندی یا ارجاع مسئله به موقعیت مسئله (Problem Situation) است یا تعیین گستره اثرگذاری مسئله یا تعیین دامنه ذی‌نفعان برای حل مسئله. شاید به اعتبار تعریف سوم، مسائل جهانی را مسائلی می‌دانند که راه حل‌هایش عموماً محتاج همکاری میان ملت‌هاست (Bhargava, 2006, p.52)؛ و این در حالی است که گمانه‌زنی می‌شود همکاری‌های جهانی به جای مقاوم‌سازی کشورها در برابر فجایع جهانی، آنها را آسیب‌پذیرتر می‌کند (Hotchkiss, 2014, p.63). خطر فجایع جهانی (Global Catastrophic Risks) رویداد مفروض آینده است که می‌تواند در مقیاس جهانی به رفاه انسان صدمه بزند (2008, Bostrom, p.35)؛ حتی تمدن مدرن را فلج و نابود کند؛ رویدادی که عامل انقراض انسان بوده یا باعث کاهش قابلیت بشر می‌شود (Bostrom, 2002, p.36).

بنیاد چالش‌های جهانی (Global challenges foundation) حکمرانی جهانی را با هدف تدارک کالاهای عمومی به خصوص صلح و امنیت، بازارهای فعال، سیستم‌های میانجی‌گری منازعات، یکسان‌سازی استانداردهای تجارت و صنعت تعریف کرده و از مهم‌ترین این کالاهای عمومی را مدیریت ریسک‌های فاجعه‌بار جهانی چون تغییرات آب و هوایی (Climate Change)، سلاح‌های کشتار جمعی (Weapons of Mass Destruction)، نابودی زیست‌محیطی (Ecological Collapse)، هوش مصنوعی (Artificial Intelligence)، بیماری‌های فراگیر (Pandemics) و ریسک‌های ناشناخته (Unknown Risks) می‌داند. (<https://globalchallenges.org>).



پس به اعتبار تعریف بنیاد حکمرانی جهانی، مدیریت ریسک بیماری‌های فراگیر (پاندمیک)ی چون کووید-۱۹ از مصادیق حکمرانی جهانی دانسته می‌شود؛ این در حالی است که مدیریت و کنترل کووید-۱۹ در یک بستر پاره‌پاره حکمرانی جهانی انجام می‌شود و با سرعت زیادی نیز به سمت تثبیت نابرابری‌های جهانی در جریان است (بلانکو و روزالس، ۲۰۲۰، ص ۱۶).

۲. راه‌حل مسائل جهانی در پرتو حکمرانی جهانی

سه تقریر مهم از سه منظر معرفتی نسبت به روابط بین‌الملل و تجویزات هر یک در نسبت مسائل جهانی وجود دارد که عبارت است از (بویر، ۱۳۹۷، ص ۱۱۴-۱۱۵):

- رویکرد ایدئالیستی لیبرال‌ها که قایل بود همکاری میان دولت‌ها امکانپذیر و روابط بین‌الملل با تقویت حقوق بین‌الملل و تأسیس نهادهای بین‌الملل قابل اصلاح است و دلیل شکست همکاری، سوء تعبیر و بدفهمی است. لیبرال‌ها نگاه خوش بینانه‌ای به نتایج گسترش تجارت و تمدن در روابط بین‌الملل دارند.

- رویکرد رئالیسم جدید که بر اندیشه‌ورزی درباره روابط بین‌الملل سایه انداخت. از منظر رئالیست‌ها، دولت‌ها در یک نظام پرهرج و مرج، همواره پیگیر نفع خودشان به هزینه دیگر دولت‌ها بودند؛ لذا جهان یک بازی با حاصل جمع صفر است و توجه دولت‌ها معطوف به دستاوردهای نسبی است که باید از طریق مذاکرات دشوار حاصل شود. ایجاد یک حکومت کارآمد جهانی، راه‌حل کنترل، تنظیم و هماهنگی کنش دولت‌هاست.

- رویکرد حکمرانی جهانی که بر خلاف دو رویکرد پیشین که عمدتاً معطوف به حکومت جهانی با حاکمیت سازمان‌های بین‌المللی متمایل به ابرقدرت‌های جهانی

بود، بر حکمرانی جهانی با واسطه‌گری هنجارهای غیر رسمی و وضع قواعد میان کنشگران و کنترل رفتار آنها تأکید دارد.

آنچه از این سه رویکرد مستفاد است، مفروض بودن تحقق مسائل جهانی و احساس نیاز به همکاری‌های ملت‌ها و دولت‌ها برای غلبه بر مسائل است؛ اما با سه رهیافت مختلف: اولی بر زمینه‌سازی برای ایجاد تفاهم میان کشورها نظر دارد و دومی بر تعقیب منافع شخصی کشورها متمرکز است بر مکانیزم مذاکره که هر دو از ابزار سازمان‌های بین‌المللی برای این دو هدف استفاده می‌کنند و رویکرد سوم بر حاکمیت قواعد برای هدایت رفتارها تأکید دارد که می‌تواند سازنده و جهت‌دهنده دو رویکرد اول نیز باشد.

رویکردهای مستقر درباره حکمرانی جهانی بیش از سه رویکردی است که تاکنون بحث شده است که هر کدام از رویکردها، ترجمه ساختاری و فرایندی شده است و تصویری مختص به خود از حکمرانی جهانی ارائه داده است.

جدول ۱: دیدگاه‌های متعارض درباره حکمرانی جهانی (حیدری‌فرد، ۱۳۹۶، ص ۴۴)

دیدگاه	ساختار	فرایند	تصور از حکمرانی
رنالیسم	ساختار واحد و منسجم مادی در قالب موازنه قدرت	همکاری در راستای منافع قدرت‌های بزرگ	حکمرانی جهانی صرفاً یک همکاری تشدید یافته در قالب منافع دولت‌های قدرتمند
لیبرالیسم	ساختار واحد و هنجاری - مادی متشکل از قواعد	تعامل دولت‌ها با سازمان‌های دولتی و غیر دولتی متأثر از	حکمرانی جهانی به مثابه همه‌گیر شدن هنجارها و قواعد لیبرال دموکراسی

دیدگاه	ساختار	فرایند	تصور از حکمرانی
	لیبرال	هنجارهای لیبرالیسم	
مکتب انگلیسی	ساختار واحد و منسجم مادی - هنجاری در قالب جامعه بین‌المللی	تحقق همکاری با محوریت سازمان‌های بین‌المللی و دولت‌ها	حکمرانی جهانی به مثابه توسعه همکاری در جامعه جهانی دولت‌محور
مارکسیسم (ماتریالیسم تاریخی و نظام جهانی)	ساختار واحد و منسجم مادی در قالب شیوه تولید سرمایه‌داری	همکاری در قالب منافع طبقات مسلط	حکمرانی جهانی به مثابه نوعی همکاری موسع برای تأمین منافع طبقات مسلط
سازه‌انگاری اجتماعی	ساختارهای چندگانه هنجاری در قالب تعاملات ایده‌ای	ظهور هنجارهای هدایت‌کننده	حکمرانی جهانی به مثابه گسترش هنجارهای هدایت‌کننده و کنترل‌کننده همکاری در فضای دولت‌محور
دیدگاه انتقادی	ساختارهای چندگانه مادی - هنجاری با تأکید بر هژمونی	فرایند سلطه	حکمرانی جهانی به مثابه سلطه مادی و معنوی قدرت هژمون

اما آنچه کاملاً هویداست آشفتگی مفهومی حکمرانی جهانی است تا جایی که به علت تعدد و تنوع موضوعی که در نسبت این مفهوم اتخاذ شده است، نیل به انسجامی تئوریک در ارتباط با آن، تا حدی سخت و صعب می‌نماید (حیدری‌فرد، ۱۳۹۶، ص ۴۳).

۲-۱. چالش سازمان‌های بین‌المللی در حل مسائل جهانی

در منطق واقع‌گرایی و ایدئالیسم، سازمان‌های بین‌المللی، به تعبیر کاکس، «مفهومی حل‌مسائلی» (Solving Concept Problem) بود برای ممانعت یا حل مسائلی چون جنگ و تضمین صلح تا «مفهومی انتقادی» (Concept Critical) که بتواند مبنایی فکری برای بازاندیشی اساسی در مورد تحول اداره جهان و رسیدگی و حلّ مسائل دیگری چون مدیریت مشترکات جهانی، تقویت توسعه جهانی و نظام مندرکدن بازارهای مالی جهانی را شکل دهد. لذا وایس و ویلکینسون (۲۰۱۴) نه آرمان‌گرایی صرف و نه واقع‌گرایی خام را در تبیین روابط بین‌الملل، منتج ندانسته، بلکه بر اساس نگرش آرمان‌گرایی مبتنی بر واقعیت صرف نظر از تعهد به سطح حداقلی حکمرانی جهانی در قالب نظام امنیت دسته‌جمعی ملل متحد یا اندیشه حداکثری حکومت جهانی، بر نقش دولت‌ها به عنوان قوی‌ترین بازیگران عرصه نظام بین‌الملل و لزوم همکاری آنان با نهادهای غیر دولتی در اداره مسائل جهانی تأکید می‌کنند (مصفا، ۱۳۹۲، ص ۲۳). البته این توصیه دولت‌ها به همکاری با سازمان‌های بین‌المللی و نهادهای غیر دولتی، مانع آن نیست که ناتوانی سازمان‌های جهانی بشردوستانه در حمایت از بشر در قبال خطراتی مانند نسل‌کشی در رواندا، سومالی و دارفور را نادیده انگارند یا کم‌توانی حکمرانی مالی جهانی همچون صندوق بین‌المللی پول در رفع بحران اقتصادی آسیا در دهه ۹۰ یا بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ را کتمان کنند یا حتی کاستی‌های سازوکارهای دولتی و بین‌دولتی با وجود پیشرفت‌های پزشکی و بهداشتی در مواجهه اثربخش با امراض مُسری مانند وبا و تب‌دنگی به‌خصوص در بخش‌های کم‌توان‌تر و فقیرتر جهان را انکار نمایند.

بنابراین توفیق ایده ایجاد نظم نوین جهانی که با ضعف دولت‌های محلی و ملی و



ظهور فراحکمرانی با تکیه بر سازمان‌های بین‌المللی همراه است، با واقعیات و تجارب پیش روی ما نسبتی ندارد. از مصادیق مهم این عدم توفیق، برگزیت* به عنوان یکی از اولین تجربیاتی است که اتحادیه اروپا را به عنوان نهادی بین‌المللی با پایه‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی با تهدید افول و زوال مواجه کرد تا جایی که اندیشکده استراتفور در پیش‌بینی خود از وضع جهان در دهه ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۵ درباره اتحادیه اروپا خبر از فروپاشی آن تا سال ۲۰۲۵ داد و مدعی شد: اتحادیه اروپا در این دهه در حل مسئله بنیادین خود یعنی منطقه تجارت آزاد و نه منطقه یورو ناتوان خواهد بود (<https://Worldview.stratfor.com>). روابط اقتصادی، سیاسی و نظامی اتحادیه اروپا در این دهه تحت تأثیر روابط دوجانبه یا چندجانبه محدود که به لحاظ مقیاس، اندک و البته الزام‌آور نیست، قرار خواهد گرفت. آنچه در این دهه شرایط اروپا را تعیین خواهد کرد، ظهور مجدد دولت-ملت و رشد ملی‌گرایی و استقلال‌طلبی است. در جریان کرونا و طرح گردشگری اتحادیه اروپا در ایجاد کریدورهای سبز** و حباب‌های مسافرتی نیز ایتالیا این اتحادیه را تهدید به از بین رفتن بازار واحد و متعاقباً خروج خود کرد.

به هر تقدیر سازمان‌های بین‌المللی با چالش‌های بزرگی چون پایان یافتن نظام برتون وودز، وضعیت محیط زیست، بحران بدهی‌های کشورهای کمتر توسعه یافته، حقوق بشر، مهاجرت و... مواجه است و در برابر آنها از خود ناکارآمدی‌هایی نشان داده است که در نتیجه خط‌مشی‌پژوهان و دانشمندان را برانگیخت تا بار دیگر در باره کیفیت مدیریت مسائل

* Brexit که جمع British و Exit است ناظر به خروج انگلیس از اتحادیه اروپاست.
 ** طرحی که به واسطه آن به برخی کشورها که نرخ ابتلای پایین و شدیداً رو به نزول کرونا دارند، اجازه پذیرش گردشگر در چند مقصد محدود گزینش شده داده می‌شود.

جهانی اندیشه کنند. شاید اندیشه در باب حکمرانی جهانی در پس ناکارآمدی‌های سازمان‌های بین‌المللی برای حل مسائل جهانی شدت گرفت و کمیسیون حکمرانی جهانی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۲ و با هدف شناسایی چالش‌های عمده پیش روی بشر در آستانه هزاره جدید و تفکر در مورد راه‌های برخورد با این چالش‌ها، شکل نهادی به خود گرفت. اما سؤال اساسی آنجاست که اگر در رویکرد حکمرانی جهانی که متکی به سازمان‌های بین‌المللی است، با مفهوم حل‌مسائلی آن مواجه نیستیم، پس امر حکمرانی با چه ابزاری انجام خواهد شد؟

۲-۲. راهکار حکمرانی جهانی در شرایط شکست سازمان‌های بین‌المللی

هرچند حکمرانی جهانی برخوردار از نگرشی فراتر از سازمان‌های بین‌المللی است، بر ظرفیت سازمان‌های بین‌المللی، اهمیت دولت‌ها و روابط بین آنها نیز تأکید دارد. در حکمرانی جهانی بدون ایجاد قدرت حاکمه مؤثر و به واسطه هنجارهای غیر رسمی و وضع قواعد میان کنشگران می‌توان رفتارها را کنترل و به نوعی حکومت کرد؛ حکمرانی جهانی ناظر به فرایندها و فعالیت‌های گسترده‌ای است که در قالب بازارها و شبکه‌ها و با ایجاد الگوهای فراملی و بین‌المللی حکومت، روابط بین‌الملل اعم از کنش‌های دولت، نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های مردم‌نهاد و... را برای حل مسائل فراملی سامان می‌دهد.

بر این اساس، اثربخشی حکمرانی جهانی، مستلزم تکرر سیاست‌های جهانی و تشدید ارتباطات چندجانبه و فراملی است که در این رویکرد تلفیقی، ضمن تأکید بر نقش اراده سیاسی دولت‌ها در تأسیس سازمان‌های بین‌المللی و تعامل و مذاکره در رابطه با مسائل محلی و جهانی، بر فعالیت روزافزون بخش خصوصی کشورها با یکدیگر، فارغ از



ساخت‌های بین‌دولتی نیز اهتمام می‌شود. با تکیه بر این منطق، وایس و ویلکینسون (۲۰۱۴)، کم‌توانی سازمان‌های بین‌المللی در این عرصه را به مثابه کم‌اهمیتی و بی‌فایده بودن حکمرانی جهانی نمی‌دانند، بلکه آن را دلیلی بر لزوم تشدید کثرت‌گرایی در سیاست‌های جهانی می‌پندارند. این کثرت‌گرایی به طور عمده در تشکیل شبکه‌های گروهی بین‌دولتی به منظور هماهنگی کلان در محیط جهانی و در عرصه‌های مختلف اقتصادی (تأسیس شرکت‌های چندملیتی اقتصادی)، سیاسی — حقوقی (شبکه‌های جنایی فراملی)، امنیتی (شرکت‌های خصوصی امنیتی)، زیست‌محیطی و... تجلی کرده است (مصفا، ۱۳۹۲، ص ۲۶). این تکرر، ابزارهایی را در اختیار امر حکمرانی جهانی برای مواجهه کارآمد با مسائل نوپدید جهانی قرار خواهد داد.

۳. حکمرانی جهانی و مسئله کرونا

جهان پساکرونا عبارت خواهد بود از جهانی برخوردار از نیروهای سیاسی و اقتصادی که ترس و درگیری (جنجال‌ها و جنگ‌های انحرافی در میان دولت‌ها و ملت‌ها)، اختلافات (تشدید خشم کشورها از یکدیگر) و آسیب‌های اقتصادی آنها را فراگرفته و به این اعتبار به بستن مرزها، لغو قوانین بین‌المللی و تعطیلی تجارت روی آورده و امکان خروج از بحران را از خود سلب می‌کنند. اما در طرح دوم، وضع به این وخامت نیست؛ بلکه نیازمند رهبرانی هوشمند است که از اکنون برنامه‌ریزی برای همکاری پس از همه‌گیری کرونا را آغاز کنند؛ لذا در این راستا سه وظیفه دارند: اول اینکه با دشمن مشترک مبارزه کنند. دوم اینکه جهانی بسازند که بتواند رژیم‌های سیاسی متنوع را در خود جای دهد و سوم آنکه به بازسازی اقتصادی برای مقابله با یک سیستم تجارت برشکسته جهانی اهتمام کنند. در این

راستا تصویب قوانین مشترک و تعیین نهادی برای نظارت بر مراعات قوانین مانند سازمان بهداشت جهانی (W.H.O) ضروری است (وودز، ۲۰۲۰، ص ۱۴). این برنامه‌ها لزوم تأمل درباره شرایط پسا کرونا را ایجاب می‌کند؛ اما هر گونه پیشنهاد و تجویز جدیدی برای برون‌رفت از شرایط بحرانی پسا کرونا منوط به شناخت مختصات میدان است.

۱-۳. دوران پسا کرونا و تغییر نظم جهانی

نشریه فارن افرز به دولتمردان آمریکا هشدار می‌دهد که آمریکا در رقابت کرونایی با چین در حال ازدست دادن موقعیت خود در مدیریت جهانی است؛ چراکه از یک سو نتوانسته به دلیل کمبودهای بهداشتی و پزشکی، نیازهای داخلی خود را رفع کند و به این اعتبار اعتماد عمومی به صلاحیت حکمرانی و بالتبع مشروعیتش را از دست داده است و از سوی دیگر برای توزیع کالاهای جهانی و حل این بحران جهانی، توان هماهنگ‌سازی متحدان بین‌المللی خود برای مبارزه با این بیماری را ندارد (گلدگی‌یر، ۲۰۲۰، ص ۱۲). در ماندگی‌های کرونایی، به زوال قدرت جهانی آمریکا که با فروپاشی قدرت انگلستان و پایان سلطنتش به عنوان ابرقدرت جهان به جهت مداخله در دسرسازش در کانال سوئز قیاس می‌شود* محدود نیست؛ بلکه کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند نظم جهانی، تمایل دارد در ابتدا به تدریج و سپس به یکباره تغییر کند؛ تغییری که در منظر متفکران در نظم

* اسرائیل، فرانسه و انگلیس در سال ۱۹۵۶ به قصد اشغال مصر و بازپس‌گیری کنترل کانال سوئز و برکناری جمال عبدالناصر در کنار کانال سوئز چتر باز پیاده کردند، ولی آمریکا، شوروی و سازمان ملل این سه کشور را مجبور به عقب‌نشینی کرده، موجب تحقیرشان شدند (Roger, 2001). برخی بحران سوئز را نشانه‌ای از پایان نقش انگلیس به عنوان یکی از قدرت‌های اصلی جهان دانستند (Peden, 2012).



مستقر جهانی یعنی نظم دولت — ملتی ایجاد خواهد شد؛ چنان‌که اسلاوی ژیتک از ضرورت تغییر رادیکال مسیری که تاکنون نظام سرمایه‌داری جهانی طی کرده برای حفظ ارزش‌های لیبرال می‌گوید و افسوس می‌خورد که چرا ما برای بازاندیشی در مشخصات بنیانی جامعه خود نیازمند یک فاجعه هستیم. در عین حال انتظار دارد فاجعه کرونا ما را برای تفکر و صورت‌بندی جامعه جایگزین دولت — ملت برانگیزاند؛ جامعه‌ای که خود را در اشکال همکاری و همبستگی جهانی متحقق می‌سازد. ژیتک، ویروس کرونا را نوعی «تکنیک پنجه نقطه‌کوب منفجرکننده قلب» می‌داند که بر نظام سرمایه‌داری وارد شده است؛ طوری که تا زمانی که نشسته است، بررسی می‌کند و اقدامات قرنطینه معمول را طبق برنامه انجام می‌دهد، مسئله‌ای عارضش نمی‌شود؛ اما به مجرد هر گونه تغییر واقعی در نظم اجتماعی، ساقط خواهد شد. سپس ژیتک نتیجه می‌گیرد در مسیر تحقق آن همکاری جهانی باید مدل مبهم کنونی را توسعه داد؛ یعنی به سازمان‌های جهانی چون سازمان بهداشت جهانی که در حال ارائه هشدارهای پیچیده بوروکراتیک هستند، قدرت اجرایی بیشتر داد؛ حتی باید زمینه را برای ایجاد نوعی شبکه بیمه سلامت جهانی مهیا کرد. اما نکته مهم مقاله او آن است که این تهدیدها با کرونا به پایان نرسیده (هرچند خود کرونا نیز به این سادگی که پنداشته می‌شود افول نخواهد کرد)؛ اما تهدید اصلی نه بیماری کرونا که تأثیراتی است که کرونا در دوگانه‌های واقعیت — مجاز و انسان — بازار می‌گذارد؛ در اولی شاهد عمل دوساحتی ویروس در دو بُعد واقعی و مجازی هستیم که شدیداً تعاملات انسان‌ها را متأثر می‌کند و در دومی با بازار جانمندی مواجه‌ایم که متأثر از فضای واقعی ما عصبی شده است و به همین جهت ضروری است به سامان‌مندی مجدد نظام اقتصاد جهانی با تعریف مکانیزم‌های جایگزین بازار جهت کنترل و تنظیم

اقتصاد و حتی محدودسازی حاکمیت دولت — ملت‌ها دوباره اندیشید. البته این اندیشه که خود را در قامت مفهوم حکمرانی جهانی صورت بندی کرده است، محل بسیاری از منازعات بوده و به مفهومی مناقشه‌برانگیز (Issue) تبدیل شده است.

۲-۳. حکمرانی جهانی پسا کرونا و بازگشت به کمونیسیم

آنچه بیش از هر چیز در جهان پسا کرونایی هویداست، گرفتن ژست‌های سوسیالیستی یا تن دادن به نوعی «کمونیسم جنگی» است؛ حتی از ناحیه کشورهای که رویکردهای عمیق سرمایه‌دارانه دارند؛ تا جایی که آمریکا در تضاد با قواعد بازار در فکر دادن نوعی درآمد پایه (چکی به مبلغ ۱۰۰۰ دلار به همه شهروندان بزرگسال آمریکایی) به مردم یا به دنبال سیاست کنترل بخش خصوصی جهت مواجهه با کووید ۱۹ است (Žižek, 2020a, p.12). این موضع عوام‌فریبانه، برخی اندیشمندان چون اسلاوی ژیدک را وامی دارد پرده از «بربریت با چهره انسانی» (Barbarism With a Human Face) بردارند. او با اشاره به اخلاق پسا کرونا می‌گوید بیش از بربریت آشکار از بربریت با چهره انسانی می‌ترسم؛ یعنی اقدام‌های وحشیانه و ظالمانه برای بقا با چهره انسانی و همدردی انجام می‌شود و از سوی متخصصان، قانونی جلوه می‌کند؛ خشونت می‌تبی بر بقا که به بی‌نظمی عمومی، گسترش ترس و... می‌انجامد. اخلاقی که حتی با اصل اساسی ارتش که می‌گوید بعد از نبرد، ابتدا باید از مجروحان مراقبت کرد حتی اگر احتمال نجاتشان حداقل باشد، مناقض است. سپس توصیه می‌کند در این شرایط، ابتدا باید انگیزه‌های اقتصادی را کنار بگذاریم و بدون قید و شرط و بدون در نظر گرفتن هزینه‌ها به کسانی که نیازمندند، کمک کنیم (Žižek, 2020b, p.16). اما چیزی که مانع التزام به این اخلاق است از نظر چامسکی، نظم جهان



امروز و منطق سرمایه‌داری است. او معتقد است کمپانی‌های خصوصی داروسازی می‌توانستند برای پیشگیری از کرونا واکسنی تولید کنند، اما از این کار طفره رفتند؛ چون در منطق سرمایه‌داری ساخت کرم‌پودر سودآورتر از ساختن واکسن کروناست (چامسکی، ۲۰۲۰، ص ۱۹). آنچه از نگاه انتقادی این اندیشمندان بر می‌آید، مسئله‌مندی نسبت به کرونا و حتی تهدیدهای بعدی نبوده که به مراتب سهمگین‌تر از کروناست؛ بلکه انتقاد از وضع بشر در نسبت این ابتلائات است. راهکار ارتقای این وضعیت را اضمحلال نظام سرمایه‌داری، تغییر نظم دولت-ملت و ایجاد محملی چون تأسیس سازمان‌های جهانی برای کنترل و تنظیم همکاری‌های میان حکومت‌ها می‌دانند. در مورد مختصات تفکر جایگزین سرمایه‌داری نئولیبرالیسم نیز به ایجاد سوسیالیسمی جدید که معطوف به مردم و علم باشد، حکم می‌کنند. این سوسیالیسم جدید در قالب اصطلاح «سوسیالیسم با چهره انسانی» در ادبیات سوسیالیست‌ها تعقیب شده است؛ آنجا که تلاش می‌کنند ضمن حفظ مالکیت جمعی، حوزه‌های سیاست، فرهنگ و سبک زندگی را دموکراتیزه کنند (ر.ک: استانمن، ۲۰۱۵). این تحریک بشر و آزمون و خطاهای مکرری که در ابتدا و تمسک به دستگاه‌های مختلف نظری دچارند و نسخه‌های آزمون و ابطال شده‌ای که برای برون‌رفت از نقاط بحران خیز می‌پیچند، جز به دلیل فقر منابع معنابخش، قابل تحلیل نیست.

۴. جوهره حکمرانی جهانی در افق اندیشه اسلامی

از باب قاعده بدیعی «رد العجز علی الصدر» بحث آغازین این نوشتار در مورد دریافتی فراتر از مفهوم‌یابی و مفهوم‌پردازی بلکه شهود حقیقت وجودی وقایع بوده و به بیان تفاوت سطح علم‌الیقین با عین‌الیقین و حقایقین پرداخت؛ نیز در انتهای مباحث بر ممشای علل



چهارگانه فاعلی، مادی، صوری و غایی باید به دنبال تبیینی فراتر از تبیین مفهومی امر حکمرانی جهانی بود.

این تبیین بر اساس تجزیه چهار مقام (فاعل، ماده، صورت و غایت) حکمرانی جهانی از آن جهت اهمیت دارد که داعیه‌داران حکمرانی جهانی بر اساس منطق‌های سه‌گانه (واقع‌گرایی، ایدئالیسم و تأسیس سازمان‌های بین‌المللی) فاقد صلاحیت و خاستگاه قویم برای انجام این مهم‌اند؛ هرچند هر کدام از آنها دیگری را متهم به پایگی و کم‌مایگی برای حکمرانی می‌دانند.* خداوند امر حکمرانی را متوجه خود دانسته و می‌فرماید: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ قَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَ هُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (بقره: ۱۱۳) بلکه آنها را در حالی که واجد کتاب می‌دانند، فاقد صداقت برای تبعیت از آن دانسته می‌فرماید: «قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ» (آل عمران: ۹۳) و نهایتاً به هر دو تفکر نیز نسبت بی‌پایگی می‌دهد: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَ لَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُم مَّا أَنْزَلَ إِلَيْك مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَ كُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ» (مانده: ۶۸). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌فرماید: افعال و کارهای بزرگ، محتاج به پایه و اساسی از معنویات و بنیادی از نفسانیات است لذا لازم است آدمی بر جایگاهی استوار که بر آن مسلط باشد تکیه زده با نفسی بردبار، همتی بلند و عزمی آهنین بر آن اهتمام نماید. جمله «لَسْتُمْ عَلَىٰ

* چنان‌که در موضوع این پژوهش، لیبرالیست‌ها با نفی مداخلات گسترده دولتی، نسخه سوسیالیست‌ها را بی‌فایده دانسته و ابطال می‌کنند و سوسیالیست‌ها نیز با نفی سرمایه‌داری، نسخه لیبرالیست‌ها را باطل می‌پندارند.



شئی» کنایه است از اینکه اهل کتاب فاقد این جایگاه محکم اند تا بتوانند امر مهمی چون احیای کتب و دین الهی را انجام دهند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۶، ص ۹۳-۹۴). در حالی که خداوند همین وظیفه مهم را از رسولش مطالبه می‌کند آنجا که از یحیای نبی ﷺ تحقق بخشیدن به معارف و عمل به دستورها و احکام کتاب الهی را می‌خواهد: «یا یحییٰ خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَءَاتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا» (مریم: ۱۲) یا از پیامبر اعظم ﷺ می‌خواهد با آنچه به ایشان نمایانده شده است میان مردم برای رفع مخاصمات و منازعات حکم کند: «إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرْتِكَ اللَّهُ وَ لَا تَكُنَ لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا» (نساء: ۱۰۵). از این آیات مستفاد است که اقامه کتاب الهی با عمل به معارف آن قابل تحقق است و این مهم جز با داشتن پایه استوار و مایه غنی، میسر نخواهد بود. جالب آنجاست که در آیه دوم، سخن از نمایاندن و رؤیت است نه مفهوم‌پردازی و فهمیدن... و باریابی و جودی و دیدن کجا و ایضاح مفهومی و فهمیدن کجا! و از اینجا نیز نیک پیداست که از مختصات مخاطب اقامه امر احیای دین، گذر از دریافت مفهومی و نیل به مرتبه عین‌الیقین و حق‌الیقین است.

۴-۱. حکمرانی اسلامی در تراز جهانی

دین الهی واجد بنیان‌های قویم معرفتی است که ما را در متن و بطن مسائل در تراز جهانی بنشانند، بلکه مصیطر به آن مسائل، «فَأْمْسُوا فِي مَنَاجِبِهَا وَ كُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَ إِلَيْهِ النُّشُورُ» (ملک: ۱۵) قدرت تحلیل به ما بدهد؛ چراکه خود دعوی جهانی دارد و پتر اخبار و اصلاح خود را بر سر کل بشر می‌گشاید؛ آنجا که فرمود: «وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (سبأ: ۲۸). در جای دیگر فرمود: «نَذِيرًا

لِبَشِيرٍ» (مدثر: ۳۶) و اگر زاویه دیدی به وسعت این عالم بلکه کل عوالم برای خود گشوده است در همین عرض و طول هم به تحلیل پدیده‌ها اهتمام می‌کند؛ مثلاً در مواجهه با ابتلائاتی چون ترس، گرسنگی و نقص اموال، نفوس و ثمرات، «وَلَتُبْلَوُنَّكُم بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ» (بقره: ۱۵۵) باور نظری و تمایل عملی انسان به عدم ابتلا را ملامت می‌کند که «أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يَتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت: ۲). یا تلقی انسان از تکریم و اهانت به موجب ابتلائات را تخطئه می‌کند، «فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ * وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ * كَلَّا» (فجر: ۱۵-۱۷)؛ چون انسان را محدود به این عالم نمی‌داند و این عالم را محملی برای شناخت صداقت و کذب او تلقی می‌کند: «وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ» (عنکبوت: ۳). جالب آنجاست که در همه موارد بالا مسئله را آن ابتلائات اعم از مرگ، قحطی، سیل، زلزله، فقر، غنا و سایر مصائب دیگر نمی‌داند بلکه مسئله را موضع انسان و جامعه انسانی در قبال این مسائل تلقی کرده و وضعیتی را که آدمی در آن قرار گرفته، به تحلیل این ابتلائات و فتن می‌پردازد، به چالش می‌کشد و آن را منکر دانسته، بنا دارد از آن وضعیت آشنایی‌زدایی کرده و بشر را نیز در آن نسبت مسئله‌مند کند؛ لذا آدمی را در چنین شرایطی دعوت به بیان کلمه استرجاع و او را متوجه مبدأ و معادش می‌کند: «الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (بقره: ۱۵۶).

تجویزهای قرآن کریم در سه سطح برای بشر صورت‌بندی شده است: سطح محلی - ملی؛ سطح منطقه‌ای و سطح جهانی. آنجا که مخاطبان خود اعم از مسلمانان و مؤمنان را با عبارت «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» مورد خطاب قرار می‌دهد، در سطح محلی - ملی به مخاطبه



پرداخته است؛ آنجا که اهل کتاب را با عبارت «یا اهل الكتاب» مورد خطاب قرار داده، مخاطبه منطقه‌ای دارد و آنجا که عموم را با عبارت «یا ایها الناس» یا عبارت «یا ایها الانسان» مورد خطاب قرار می‌دهد، مخاطب جهانی داشته است. اما در همه این مخاطبات، بناسط ظرفیت معارف دینی برای اصلاح امور و علوم بشری به کمک او بیاید و آنکه متکفل و فاعل احیای این ذخایر و خزائن معرفتی است، ناگزیر باید بر بنیان و بنیاد مستحکمی استوار باشد؛ چنان‌که ماده، صورت و غایت این پیام نیز محتاج همین بنیان‌داری و بنیادمندی است.

۲-۴. معرفت جهانی، ماده حکمرانی جهانی

حکم و حاکمیت از آن خداست و انسان‌ها مکلف‌اند در موارد اختلاف، به حکم الهی ارجاع دهند، «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكِّمُوهُ إِلَى اللَّهِ ذَالِكُمُ اللَّهُ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ» (شوری: ۱۰) و تعیین این حاکمیت الهی با اقامه دین الهی میسور خواهد بود؛ هرچند بر مشرکان سخت آید: «سَرَّحَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وُصِيَ بِهِ نُوحًا وَالدِّي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وُصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ» (شوری: ۱۳). عده قابل توجهی در طول زمان و در سطح جهان در اتاق‌های فکر گرد هم می‌آیند که یا با بشری‌انگاری قرآن «إِنَّ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ» (مدثر: ۲۵) اتکای خود به منابع و حیانی را نفی می‌کنند یا دین را تحت اسارت خود می‌آورند که «فَإِنَّ هَذَا الدِّينَ قَدْ كَانَ أَسِيرًا فِي أَيْدِي الْأَشْرَارِ يَعْمَلُ فِيهِ بِالْهَوَىٰ وَتَطْلُبُ بِهِ الدُّنْيَا» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) و خروجی این گردهمایی‌ها که فاقد پایگاه استوار است، قول «رجفه» است که اثبات‌ناشده و لرزان است؛

لذا هر روز نسخه جدیدی برای بشر پیچیده و آرامش و امنیتش را سلب می‌کنند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۲). این معرفت و حیانی است که صلاحیت دارد به عنوان ماده حکمرانی جهانی قرار گیرد تا بشر را به لرزه نیندازد و از او سلب امنیت نکند. صد البته برای استکشاف و اصطیاد معرفت و حیانی باید علمای علوم عقلی، نقلی، شهودی و تجربی گرد هم آیند و به صورت جمعی به حبل الله اعتصام نمایند: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» (آل عمران: ۱۰۳). اگر به افکار یکدیگر احترام بگذاریم و خودمان را «میزان العقاید والاعمال» ندانیم و با هم بفهمیم (طوری که برهان مؤید ظواهر دینی و ریاضت، مکمل حکمت و دیانت باشد)، می‌شود فهم‌ها را مانند تاروپود یک قالی به هم گره زد و لاجرم این اعتصام و آن استکشاف، حاصل خواهد شد (ر.ک: تفسیر ترتیبی قرآن کریم، جوادی آملی، جلسه ۲۳، ۹۶/۱۲/۷).

۳-۴. غایت حکمرانی جهانی

غایت حکمرانی در بُعد محلی و ملی به نحو مداخلات کنشی، تمحیص و خالص‌سازی مؤمنان در جریان مجاهده و صبر بر مجاهده برای رسیدن به مقام شهادت است: «إِنْ يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ وَ تِلْكَ الْأَيَّامُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ يَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ * وَ لِيَمْحَضَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكُفْرِينَ * أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَ لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَ يَعْلَمُ الصَّابِرِينَ» (آل عمران: ۱۴۰-۱۴۲). غایت حکمرانی در بُعد منطقه‌ای به نحو مداخلات گرایشی، تعالی بشر به سوی کلمه سواء است که همانا عبودیت خدا و عدم پذیرش تولی غیر خداست، «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ



إِلَّا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكْ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ» (آل عمران: ۶۴) و غایت حکمرانی در بُعد جهانی به نحو مداخلات بینشی، اثبات فقر ذاتی انسان، «یا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵) جهت جلوگیری از طغیان اوست: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ * أَنْ زَاءَهُ اسْتَغْنَى» (علق: ۶-۷).

جدول ۱: ساحات حکمرانی - سطوح مداخله در امر حکمرانی

ساحات حکمرانی / سطوح مداخله	حکمرانی محلی - ملی	حکمرانی منطقه‌ای	حکمرانی جهانی
سطح خرد	مداخلات کنشی: خالص‌سازی مؤمنان با ایجاد نهاد جهاد		
سطح میانه		مداخلات گرایشی: تعالی به سوی کلمه سواء	
سطح کلان			مداخلات بینشی: تغییر رویکرد آدمی از استغناء به سمت افتقار و انقطاع الی الله

۴-۴. شهادت تأدیه و تحمل، صورت حکمرانی جهانی

آنچه نگارنده در امر حکمرانی جهانی تعقیب می‌کند، جریان کسب، صورت بندی و



انتقال معرفت در قالب شهود و شهادت است؛ چنان‌که آیات زیادی در قرآن کریم ناظر به اتخاذ و ابعاث شهید (نساء: ۴۱)، پذیرش آثار شهادت (نساء: ۱۳۵)، لزوم شهادت عادلانه (مائده: ۸)، معیت با شهدا (مائده: ۸۳)، اهلیت در شهادت (یوسف: ۲۶)، عدم شهادت باطل (فرقان: ۷۲)، قیام به شهادت (معارج: ۳۳) و... وجود دارد؛ اما نکته اساسی در همه این موارد توجه به تفکیک شهادت تحمل و تأدیبه و نظر داشت اختلاف درجه فهم متحملین و وضوح و پیچیدگی وقایع در شهادت تحمل و قوت و ضعف بیان بیان‌کننده آن در شهادت تأدیبه است. مسلماً متحملی که سهر و نسیان و غفلت بر مزاجش غلبه دارد، مانند متحملی نیست که هر چه بشنود و ببیند حفظ می‌کند و مست همانند هوشیار و بیگانه مثل آشنای به جزئیات واقعه نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۵۰) و از این جهت فاعل این شهادت، خواه در مقام تحمل و خواه تأدیبه، نقش اساسی در امر حکمرانی، ایفا خواهد کرد.

۵-۴. امت وسط، فاعل حکمرانی جهانی

اگر دالّ مرکزی حکمرانی جهانی، معرفت و صورت آن، شهود و معرفت شهودی است که در دامنه ادراکات برخی قرار گرفته و از محدوده ادراکی دیگران خارج است، بی‌شک باید شهدا را از میان کسانی برانگیخت که با دروغ یا جهل خود مردم را نفرینند، همچنان‌که طبق فرمایش پیامبر ﷺ «رائد» چنین نقشی را داراست؛ آنجا که فرمود: «انّ الرائد لا یُکذّبُ أهله» (صدوق، ۱۴۱۴، ص ۶۴)، وگرنه تکرار صدماتی را شاهد خواهیم بود که بشر به علت جهالت معرفتی و نسخه‌پیچی‌های ناصواب عده‌ای در طول تاریخ دچار آن شده است.

خداوند امت وسط را برگزید تا شاهد بر عموم مردم بوده و خود نیز مشهود رسول‌الله الاعظم ﷺ قرار گیرد، «وَ کَذَٰلِکَ جَعَلْنَاکُمْ اُمَّةً وَّ سَطًا لِّتَکُونُوا شُهَدَاءَ عَلَی النَّاسِ وَ یَکُونَ



الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيداً» (بقره: ۱۴۳) و این شهادت عبارت است از تحمل - دیدن - حقایق اعمالی که مردم در دنیا انجام می دهند؛ اعم از اعمال سعید یا شقی، مردود یا مقبول، از روی انقیاد یا تمرد و معلوم است که چنین مقام کریمی شأن همه امت نیست؛ چون کرامت خاصه ای است برای اولیای طاهرين از ایشان (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۸۴-۴۸۵) و البته منحصر در انبیا و ائمه علیهم السلام نیز نیست و غیر معصومان نیز می توانند به درجاتی از آن در همین دنیا نایل شوند؛ چنان که از آیات «كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ * لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ» (تکاش: ۵-۶) و آیات «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلَيِّنَ... يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ» (مطففین: ۱۸-۲۱) نیز مستفاد است که صاحبان علم یقین و مقربان به مقام شهادت بار یافتند و این باریابی نیز در همین دنیا است؛ چراکه «سین» مندرج در آیه «وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ» (توبه: ۱۰۵)، سین تحقیق (تحقق در همین دنیا) و نه تسویف است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۷، ص ۳۳۴).

اما شهادت بر اعمال عموم مردم در گرو مشهود دانستن خود در محضر رسول الله صلی الله علیه و آله از راه تعلیم و ترکیه است (همان، ص ۳۲۶). از آیه «وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أُنَبِّئُكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلِ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ» (حج: ۷۸) بر می آید که این وسطیت حاصل نخواهد شد مگر با به جای آوردن حق مجاهده و تمسک به ملت و آیین ابراهیمی.

این شهادت، ظرفیت حکمرانی جهانی (Global Governance Capacity) بر اساس معارف اسلامی را بسیار بالا خواهد برد و بشر امروز نیز به دنبال توسعه این ظرفیت و در جست و جوی منابع جدید برای غنابخشی به پدیده های پیرامون خویش است.

جمع‌بندی و ارائه برخی توصیه‌های سیاستی

ویروس کووید-۱۹ شاید بیش از هر زمانی دستِ خالی بشر در حوزه حکمرانی جهانی را نشان داد؛ چراکه حکمرانی جهانی داعیه مواجهه با مسائل جهانی را داشت- که پاندمی‌ها یا بیماری‌های فراگیر نیز جزء مسائل جهانی تلقی می‌شود- و تعدد و تفاوت نسختی که برای مواجهه با این ویروس عالم‌گیر طی دوران اوج آن ارائه شد، مشخص کرد چه از نظر مفهومی و نظری و چه از جهت عینی و عملی همچنان بشر به الگوی قابل اتکایی برای مواجهه با این مخاطره جهانی دست نیافته است. این همه در حالی است که از منظر وایس و ویلکینسون (۲۰۱۴) عدم توازن قدرت، همواره مؤلفه اساسی برای حکمرانی جهانی بوده است (مصفا، ۱۳۹۲، ص ۳۳)؛ در حالی که اساس حکمرانی در منطق اسلامی بر مواسات و تکافل اجتماعی است. چنان‌که در صلوات شعبانیه می‌خوانیم: «وَ اِزْرُقْنِي مَوْاسَاةً مِّنْ قَتْرَتٍ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ»؛ لذا رقابت، مسابقت و منافست بر سر امداد و تعاون است که فرمود: «وَ فِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ» (مطففین: ۲۶). جالب آنجاست که این تنافس و تسابق در بستر توضیح کیفیت شهادت مقربان بر ابرار مطرح شده است. ظرفیت اندیشه اسلامی برای تحقق حکمرانی جهانی به اعتبار محوریت معرفت جهانی، تلبس معرفت جهانی در لباس شهادت (خواه تحمل و خواه تأدیه)، وسطیت امت اسلام و غایت خالص‌سازی مؤمنان با ایجاد نهاد جهاد، تعالی اهل کتاب به سوی کلمه سواء و تغییر رویکرد آدمی از استغنا به سمت افتقار و انقطاع الی الله، ظرفیت بالایی است تا در زمانی که تهدیدهای فاجعه بار بشری نوبه‌نو اتفاق می‌افتد، بهره‌برداری شود؛ اما نکته مهم آنجاست که پنجره فرصتی که از تقاطع جریان‌های سه‌گانه (kingdon, 1995, p.56) مسئله ناتوانی جامعه جهانی در مقام پاسخ به بلایی چون کرونا، در کنار راه‌حل تفکر شیعی

بر تعاون و تکافل اجتماعی با محوریت دریافت‌ها و ادراکات شهودی در بستر ضعف و انهزام نظم جهانی و نظم سیاسی و ستفالیایی دولت-ملت باز شده است، شرایط را برای ایفای نقش تمدن‌ساز چند گروه در کشور به عنوان کارآفرینان این حوزه مهیا کرده است که عبارت اند از: نهاد دین برای تعیین حدود و قواعد مداخلات جهانی، نهاد علم برای تعیین مصادیق و موضوعات این مداخلات، نهاد اداره برای تأسیس یا تقویت نهادهای مداخله‌ای در سطح جهانی برای کنشگری فعال و نهاد رسانه برای ابلاغ پیام جهانی اندیشه اسلامی در حکمرانی جهانی.



منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه.
۱. بویر، مارک؛ **حکمرانی؛ درآمدی بسیار کوتاه**؛ ترجمه غلامرضا سلیمی و داوود کریمی؛ تهران: انتشارات دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، ۱۳۹۷.
 ۲. پینک، دانیل؛ **ذهن کامل نو**؛ ترجمه رضا امیرحیمی؛ تهران: نشر کندوکاو، ۱۳۹۰.
 ۳. توحیدی، احمدرضا؛ «سناریوهای آینده حکمرانی جهانی: پیامدهای محتمل برای جمهوری اسلامی»، **فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی**؛ س ۲، ش ۴، ۱۳۹۲.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله؛ **تفسیر تسنیم**؛ قم: نشر اسراء، ۱۳۹۲.
 ۵. _____؛ «پیام به کنگره مسلمانان آمریکا؛ اسلام، دین بشریت»، در: <http://javadi.esra.ir>.
 ۶. حیدری فرد، سجاد؛ «تحول مفهوم حکمرانی جهانی در روابط بین‌الملل»، **فصلنامه تحقیقات سیاسی بین‌المللی**؛ دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا، ش ۳۲، ۱۳۹۶.
 ۷. رنجبر، همایون، سعید دائی کریم‌زاده و علی مروی؛ ش ۹، ۱۳۹۱.
 ۸. صدوق، محمد بن علی؛ **الاعتقادات**؛ بیروت: دارالمفید، ۱۴۱۴ق.
 ۹. طباطبایی، محمدحسین؛ **ترجمه تفسیر المیزان**؛ ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.



۱۰. مصفا، نسرين؛ «نقد کتاب سازمان‌های بین‌المللی و حکمرانی جهانی (اثر وایس و ویلکینسون - ۲۰۱۴)». فصلنامه سازمان‌های بین‌المللی؛ س ۱، ش ۴، ۱۳۹۲.
11. Benedict, K; "Global Governance", International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences; 2001.
 12. Bhargava, Vinay; Global issues for global citizens: an introduction to key development challenges; Washington D.C: World Bank, Retrieved 8 January, 2017.
 13. Blanco, Masaya Liavaneras & Rosales; Global Governance and COVID – 19: The Implications of Fragmentation and Inequality; Antulio E-international relations, 2020.
 14. Bostrom, Nick; Global Catastrophic Risks; Oxford, University Press, 2008.
 15. Bostrom, Nick; "Existential Risks: Analyzing Human Extinction Scenarios and Related Hazards" Journal of Evolution and Technology, 2002.
 16. Chomsky, Noam; Decades of the "Neoliberal Plague" Left U.S. Unprepared for COVID – 19 Outbreak; <https://www.democracynow.org>, 2020.
 17. Goldgeier, James, & Jentleson; Bruce The United States is not Entitled to Lead the World; Foreign Affairs, 2020.

18. Hotchkiss, Michael; A Risky Proposition: Has global interdependence made us vulnerable?; Princeton University, 2014.
19. Kingdon, J. W.; Agendas, Alternatives, and Public Policies; New York: Harper Collins, 1995.
20. Peden, G. C.; "Suez and britian,s decline as a world power" the historical journal; Cambridge university press, 55 (4): 1073-1096, 2012.
21. Roger, owen; Suez crisis, The oxford companion to the politics of the world; oxford university press inc, 2001 .
22. Stoneman, Anna; Socialism With a Human Face: The Leadership and Legacy of the Prague Spring; New-York: Society for History Education, 2015.
23. Woods, Ngaire; Global Governance: Planning for the world after COVID – 19; OECD –forum, Org, 2020.
24. Zizek, Slavoj; Barbarism With a Human Face, The World under CORONA; Weltde, 2020a.
25. Zizek, Slavoj; Pandemic, COVID – 19 Shakes the World, Polity; 1 st Edition (May 26).